مجله اقتصادی
شماره‌های ۵ و ٦، مرداد و شهریور ۱۳۹۷، صفحات ۳۰-۵

بررسی آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی: کشورهای منطقه)

حسین امیری
استادیار اقتصاد، دانشگاه خوارزمی
hossienamiri@gmail.com

فریبا نوروزی عموقین
کارشناسی ارشد بانکداری اسلامی دانشگاه خوارزمی
fariba.norouzi1367@gmail.com

محبوبه پیرداده بیرانوند
کارشناسی ارشد بانکداری اسلامی دانشگاه خوارزمی
mahboubeh_beyranvand@yahoo.com

شیوا علیزاده
دانشجوی دکتری دانشگاه لرستان
alizade.2015@yahoo.com

یکی از اهداف کلان اقتصادی کشورها، ایجاد شرایط لازم جهت ارتقای رشد اقتصادی مستمر و باثبات است. ازجمله عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی آزادی اقتصادی است. به این صورت که آزادی اقتصاد از طریق به‌کارگیری مجموعه‌ای از راه‌کارها به دنبال دست‌یابی به برخی اهداف است که از طریق این اهداف رشد اقتصادی افزایش یابد. ازجمله این اهداف؛ اشتغال کامل عوامل تولید، حصول به ثبات قیمت‌ها، موازنه تراز پرداخت‌ها و ارتقای رفاه اجتماعی است. لذا هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد اقتصاد مقاومتی در ایران طی دوره ۱۳۹٦-۱۳۸۰ است. روش مورد استفاده در این مطالعه پانل است. نتایج تجربی به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که سطح آزادی اقتصادی، تورم و شاخص اقتصاد مقاومتی بر رشد اقتصادی اثر مثبت و معنادار داشته است، اما نرخ اشتغال اثر منفی بر آزادی اقتصادی دارد و دلیل این رابطه معکوس نیز وجود مشاغل کاذب و خدماتی است که طی چند سال گذشته در اقتصاد ایران رشد کرده‌اند. این مشاغل نه‌تنها چیزی را به تولید ناخالص داخلی اضافه نکرده‌اند، بلکه در برخی از زمینه‌ها سبب کاهش تولید ناخالص هم شده‌اند.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، نرخ تورم، نرخ اشتغال، اقتصاد مقاومتی.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

۱. مقدمه

آزادی اقتصادی به معنای نزدیکی به اقتصاد بازار و کاهش مداخله دولت در فعالیت‌های تولید، توزیع و مصرف است که ریشه آن به آغاز علم اقتصاد مدرن بازمی‌گردد. نظریه‌های اقتصادی رایج در سال‌های اخیر، تعامل آزادانه افراد و بنگاه‌های اقتصادی را به عنوان بهترین راه تأمین کارایی اقتصادی برمی‌شمارند. در این شرایط، با وجود آنکه برخی از صاحب‌نظران، آزادی اقتصادی را به حبابی تشبیه می‌کنند، امروزه اغلب اقتصاددانان به یک توافق جهانی در این موضوع رسیده‌اند که کامیابی اقتصادی در یک کشور (و همچنین در سطح جهان) منوط به تجارت آزاد، دسترسی به پول قوی، جریان بین‌المللی کالا، سرمایه و نیروی کار، تعیین قیمت‌ها در بازار آزاد و حمایت از حقوق مالکیت است که می‌توان همه این موارد را در چارچوب وسیعی تحت عنوان «آزادی اقتصادی» در نظر گرفت. اما باید توجه داشت که همان‌طور که مبانی تئوریک و مطالعات تجربی در این زمینه نشان می‌دهند، آزادی اقتصادی در ارتباط مستقیم با شاخص‌های اقتصادی و غیراقتصادی زیادی از قبیل توسعه اقتصادی، توسعه انسانی، رشد اقتصادی، فقر و توزیع درآمد، آزادی‌های سیاسی و مدنی و ... قرار داشته و به طور جدی بر آن‌ها اثر می‌گذارد. در این میان آنچه باید در نظر داشت آن است که رشد اقتصادی همواره از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی در کشورهای مختلف بوده است و به همین علت، یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین اهداف سیاستی مورد نظر سیاست‌گذاران و اقتصاددانان است[۱].

بی‌تردید بخش خصوصی با تفکرات جدید در مسائل مدیریتی و با استفاده از ابزارها و شیوه‌های نوین ارتباطی و نیز ابتکار و خلاقیت نیروی انسانی می‌تواند به اهداف مدیریت عملکردی خود، چه در ارتباط با مشتریان و چه نیروهای انسانی شاغل در آن بخش، نزدیک‌تر شود. ولی این مطلب بدان معنا نیست که بخش دولتی از رسیدن به چنین اهدافی ناتوان است، بلکه با توجه به اوضاع و شرایط کنونی کشورها از یک سو و محدود بودن امکانات و منابع از سوی دیگر سخن دولتمردان و سیاستمداران باید با اتخاذ تدابیر و سیاست‌های مختلف، فعالیت‌های رقابت‌آمیز را به بخش خصوصی واگذار نموده تا با برخورداری از ابتکار و خلاقیت نیروی انسانی در این بخش با حداقل

۱. صادقی صادق‌آبادی، ۱۳۸۴.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

امکانات بیشترین نتیجه و ثمر را عاید کشور نموده و در مقابل بخش عمومی هم به اموری بپردازد که بخش خصوصی رغبت کمتری به سرمایه‌گذاری دارد. از این رو، دولت مجبور است اداره و نظارت این‌گونه فعالیت‌ها را بر عهده بگیرد[۱]. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به رشد اقتصادی تأکید شده است و از این رو قصد داریم نقش آزادی اقتصادی را بر رشد اقتصادی با رویکرد اقتصاد مقاومتی طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۸۰ در اقتصاد ایران بررسی کنیم. بدین منظور این مقاله به شرح زیر سامان‌دهی می‌شود.

در بخش دوم پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش سوم مبانی نظری بیان می‌شود. در بخش چهارم مدل تحقیق و نتایج تجربی ارائه می‌گردد و در بخش پنجم نیز نتیجه‌گیری بیان خواهد شد.

۲. پیشینه تحقیق

مطالعات بسیاری در داخل و خارج از کشور در مورد تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی انجام گرفته است که در زیر برخی از این مطالعات بیان می‌شود.

۲-۱. مطالعات داخلی

شاه‌آبادی و بهاری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه» هدف پژوهش خود را تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۶ قرار دادند. در این پژوهش، آن‌ها از روش GMM برای داده‌های پانل پویا، اثر متغیر ثبات سیاسی و شاخص‌های آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی را مورد آزمون قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در هر دو گروه کشورهای مورد مطالعه داشته است.

درخشان‌فر (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «رابطه بین آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای منا[۲]» به بررسی آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منا پرداخته است، بدین

---

۱. شفیعی و زراعت‌پیشه، ۱۳۹۱.

2. MENA

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

منظور برای ارزیابی از روش برآورد داده‌های تابلویی پویا یا درواقع روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) بر پایه داده‌های ترکیبی استفاده کرده است و به این نتیجه رسیده است که در کشورهای منتخب حوزه منا، اثر شاخص کل آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی منفی و معنادار است. رشد اقتصادی دوره قبل اثر مثبت و معناداری بر رشد کنونی دارد، علاوه بر این شاخص آزادی سرمایه-گذاری، آزادی مالی، آزادی مالیاتی، آزادی از فساد، آزادی تجارت خارجی و جمعیت اثر مثبت و شاخص‌های آزادی کسب‌وکار، مخارج مصرفی دولت، حقوق مالکیت و آزادی پولی اثر منفی بر روی رشد اقتصادی دارند. منفی بودن تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب می‌تواند ناشی از وابستگی بیش از حد این کشورها به درآمدهای حاصل از نفت باشد که موجب ناکارایی اقتصادی شده است.

درخشان فر و ابونوری (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان «آزادی اقتصادی تجارت بین‌المللی خاورمیانه و شمال آفریقا داده پانلی کشور در حال توسعه گشتاور تعمیم‌یافته» به بررسی تأثیر آزادی بر رشد اقتصادی کشورهای منا پرداخته‌اند. بدین منظور برای ارزیابی از روش برآورد داده‌های تابلویی پویا یا درواقع روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) بر پایه داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج حاکی از این بود که در کشورهای منتخب حوزه منا، اثر شاخص کل آزادی اقتصادی منفی و معنادار است. رشد اقتصادی دوره قبل اثر مثبت و کاملاً معناداری بر رشد دوره بعدی داشت، علاوه بر شاخص آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی مالی، آزادی مالیاتی، آزادی از فساد، آزادی تجارت خارجی و جمعیت اثر مثبت و شاخص‌های آزادی کسب‌وکار، مخارج مصرفی دولت، حقوق مالکیت و آزادی پولی اثر منفی بر روی رشد اقتصادی داشتند. منفی بودن تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب می‌تواند ناشی از وابستگی بیش از حد این کشورها به درآمدهای حاصل از نفت باشد که موجب ناکارایی اقتصادی شده است.

خداپرست مشهدی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران» در چارچوب الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) به بررسی تأثیر دو متغیر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشور ایران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اثر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

مثبت و معنی‌دار است و آزادی اقتصادی نسبت به سرمایه اجتماعی تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی ایران دارد.

شفیعی و زراعت‌پیشه (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصاد در اقتصاد مقاومتی» بیان کردند که خصوصی‌سازی و کاهش تصدی‌گری دولت در فعالیت‌های اقتصادی، بخش عمده سیاست‌های تعدیل ساختار اقتصادی را تشکیل می‌دهد. گسترش خصوصی‌سازی نه‌تنها مشارکت بخش غیردولتی را در اداره امور تصدی‌گری اقتصاد افزایش می‌دهد و به انگیزه کارآفرینی، ابتکار و نوآوری قوت می‌بخشد، بلکه توان کارشناسی دولت را برای انجام پژوهش‌های لازم جهت اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی مؤثر و کارآمد به کار خواهد گرفت. باید توجه داشت که برای رسیدن به این مهم موانع بسیاری وجود دارد و نباید از نقش اساسی و کلیدی دولت با سیاست‌گذاری‌های صحیح و منطقی خود در رفع این موانع غافل ماند و درنهایت با انجام خصوصی‌سازی باید با اعمال تغییر نحوه مدیریت جدید در سازمان‌های خصوصی شده، راه بر رشد و توسعه سازمان تغییر شکل یافته، هموار گردد. در این مقاله به تعاریف و مفاهیم خصوصی‌سازی پرداخته شده و جهت‌گیری‌های آن برای رسیدن به اقتصاد بهتر و مطلوب‌تر شرح داده شده است و رویکردهای مختلف به خصوصی‌سازی اشاره شده است. سپس سابقه، وضعیت و دلایل ناکامی خصوصی‌سازی در ایران تشریح شده و رهنمودهایی برای بهبود خصوصی‌سازی ارائه شده است.

رزمی و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد مکتب نهادگرا: بررسی علی» با استفاده از مدل ترکیبی وینهلد[1] (۱۹۹۳) و مدل کارلسون و لاندرستروم[2] (۲۰۰۱) و با رویکرد مکتب نهادگرا و روش‌شناسی لاکاتوشی به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر روی رشد اقتصادی پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق نشان‌دهنده رابطه مثبت آزادی و رشد اقتصادی با توجه به کارایی نهادهای موجود در هر جامعه است.

خادمی اردکانی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی» هدف اصلی خود را بررسی اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با

1. Weinhold, D. (1999).
2. Carlsson, F. S, Lundström (2002).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

به‌کارگیری داده‌های ۱۱۳ کشور طی دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۴ قرار داد و به این نتیجه رسید که نرخ رشد رابطه‌ای مثبت با تغییرات در شاخص آزادی اقتصادی دارد، اما سطح آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی اثر منفی داشته است. همچنین نتایج به‌دست‌آمده از الگوها نشان داده است که تورم، ارزش تورم سال گذشته، مخارج دولت، نرخ رشد جمعیت و واردات کالا و خدمات با رشد اقتصادی رابطه‌ای معکوس دارند، اگرچه سرمایه‌گذاری، نرخ رشد جمعیت فعال و تجارت بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت داشته‌اند.

سامتی و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر آزادی اقتصادی بر درآمد سرانه و رشد اقتصادی (با رهیافت پانل دیتا)» در چارچوب روش‌شناسی لاکاتوش[1] و با بهره‌گیری مدل اسکیپتون[2] به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر درآمد سرانه پرداخته و با استفاده از دو مدل که از ترکیب مدل‌های کارلسون[3] و لاند استروم[4] و مدل داده‌های تلفیقی پویای وینهلد[5] به دست آمده‌اند به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۳ در ۸۷ کشور به طور کلی و به تفکیک در کشورهای کم‌درآمد، با درآمد متوسط (شامل ایران) و پردرآمد پرداخته‌اند. نتایج در این تحقیق حاکی از اثر مثبت آزادی اقتصادی بر سطح درآمد سرانه و رشد اقتصادی کل نمونه است، از بین اجزای آزادی اقتصادی استقلال قضایی و امنیت حقوق مالکیت، پول سالم و ضوابط و قوانین مربوط به بازار، اعتبار و کسب‌وکار بیشترین اثر را بر درآمد سرانه دارند. همچنین از بین اجزای آزادی اقتصادی استقلال قضایی و امنیت حقوق مالکیت و ضوابط و قوانین مربوط به بازار کار، اعتبار و کسب‌وکار بیشترین اثر را بر رشد اقتصادی دارد.

۲-۲. مطالعات خارجی

آیسن و ویکا[6] (۲۰۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «چگونگی تأثیرگذاری ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی» به بررسی تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ۱۶۹ کشور طی دوره ۱۹۶۰-۲۰۰۴ پرداختند. نتایج مطالعه بیانگر این است که درجه بالای بی‌ثباتی سیاسی با رشد

1. Lakatos
2. Skipton
3. Carisson
4. Lundstrom
5. Weinhold
6. Aisen & Veiga

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

اقتصادی توأم است. آن‌ها معتقدند بی‌ثباتی سیاسی از طریق کاهش بهره‌وری سبب کند شدن نرخ رشد اقتصادی می‌گردد و با درجه کمتر بر سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین بیان می‌دارند شاخص آزادی اقتصادی، سرمایه‌گذاری، نرخ ثبت‌نام ابتدایی، ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت و همگنی نژادی رابطه مثبت و معنی‌داری با رشد اقتصادی دارند.

کوفمن، کرای و مستروزی[1] (۲۰۰۵)، در یک تحلیل تجربی کیفیت حاکمیتی دولت را که مرتبط با رشد اقتصادی است، از شش بعد مورد ارزیابی قرار داده‌اند: آزادی بیان، بی‌ثباتی سیاسی و آشوب، اثربخشی دولت، کیفیت نظم‌دهی، حاکمیت قانون، کنترل فساد. در این مطالعه ۲۰۹ کشور در سال‌های ۱۹۹۶، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴ مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که نتایج برآوردهای این شش بعد حاکمیتی در هر دوره برای هر یک از کشورها متفاوت بوده است. درنتیجه، بیان می‌کند به رغم این‌که روند خاصی از بهبود یا تضعیف کیفیت حاکمیت در جهان ملاحظه نمی‌شود، کیفیت حاکمیت در برخی کشورها به طور معناداری (هم در جهت مثبت و هم در جهت منفی) در حال تغییر هستند. همچنین، ارتباط مثبت و معناداری بین درآمد ملی و کیفیت حاکمیت ارائه می‌دهند، اما رابطه علی بین کیفیت حاکمیت دولت و رشد درآمد ملی را مورد مجادله قرار می‌دهند. به اعتقاد آن‌ها علیت می‌تواند دوطرفه باشد.

به‌تازگی کین و دیگران[2] (۲۰۰۷)، در مطالعه‌ای جامع، شواهدی را ارائه نموده‌اند که تأکید دیگری بر توصیه‌های سیاستی هاربرگر (۱۹۹۸) باشد. آن‌ها برای ۱۵۷ کشور جهان ۱۰ عامل مشخص‌کننده آزادی را چنین مشخص می‌کنند: آزادی کسب‌وکار، آزادی تجارت، آزادی مالی، آزادی از قید و بند دولت، آزادی پولی، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی تأمین مالی، حقوق مالکیت، رهایی از فساد، آزادی نیروی کار. سپس از ترکیب شاخص‌های ده‌گانه بالا، شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی را محاسبه کرده‌اند. بالاترین میزان قابل اکتساب این شاخص که ۱۰۰ است، نشان‌دهنده بالاترین سطح از آزادی اقتصادی است. هرچه این شاخص بالاتر باشد، نشان‌دهنده مداخله کمتر دولت در اقتصاد خواهد بود.

1. Kaufmann, Kraay and Mastruzzi
2. Kane et al

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

اسکالی[1] (۲۰۰۲) به بررسی تأثیر سه ویژگی آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و تسلط حقوق فردی بر رشد اقتصادی ۱۱۵ کشور طی دوره ۱۹۶۰-۱۹۸۰ پرداخته و بیان می‌دارد کشورهایی که دارای یکی از سه ویژگی آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و تسلط حقوق فردی یا هر سه مورد هستند، از رشد اقتصادی دو تا سه برابر کشورهایی که هیچ‌کدام از این ویژگی‌ها را ندارند برخوردارند.

هکلمن[2] (۲۰۰۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی (بررسی علی کوتاه‌مدت)، به بررسی رابطه علی آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی پرداخت. شاخص آزادی اقتصادی استفاده شده در این مقاله، شاخص بنیاد هریتیج است که به صورت مقطعی و برای ۱۴۷ کشور انجام شده است.

کارلسون و لاندرستروم[3] (۲۰۰۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان آزادی اقتصادی و رشد: تجزیه‌وتحلیل اثرات، به بررسی آزادی اقتصادی بر رشد در ۷۴ کشور طی سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۹۵ پرداختند. متغیر مستقل مورد استفاده در این مدل علاوه بر شش جزء شاخص آزادی اقتصادی که شامل اندازه دولت، آزادی استفاده از اعتبارات، آزادی تجارت با خارجی‌ها، ساختار قانونی و حفاظت از حقوق مالکیت، ساختار بازار، سیاست پولی و پایداری قیمت‌ها و آزادی مبادله در بازار سرمایه بود، متوسط تشکیل سرمایه است.

از مطالعات صورت گرفته در داخل و خارج کشور نتیجه گرفته می‌شود که تاکنون تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی از دیدگاه اقتصاد مقاومتی در کشورهای منطقه[4] مورد بررسی قرار نگرفته است.

۳. تعاریف و مبانی نظری

در لغت، اصطلاح آزادی به عنوان نبود الزام، فشار یا محدودیت در انتخاب یا عمل تعریف می‌شود. اما آزادی اقتصادی در تعریف هارشبرگر[5]، از اینکه فرد در موقعیتی برای انتخاب روشی

1. Scully
2. Heckelman
3. Carlsson and Lundström

۴. کشورهای منطقه شامل ایران، بحرین، عمان، قطر، ترکیه، عربستان، آذربایجان، گرجستان، امارات، اردن، ارمنستان، قزاقستان، کویت، قرقیزستان، لبنان، مصر، پاکستان و تاجیکستان است.

5. Harshbarger

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

است که با آن خودش را در کلیت جامعه ادغام می‌کند (هارشبرگر[1]، ۲۰۰۲). همچنین آزادی اقتصادی به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های شخصی است که از طریق قانونی به دست آورده‌اند.

بنیاد هریتیج آزادی اقتصادی را معیاری می‌داند که بر طبق آن افراد آزادند به تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات بپردازند. به عقیده طراحان شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج از آنجایی که آزادی اقتصادی به عنوان نبود الزام، فشار یا محدودیت در انتخاب عمل است و اقتصاد مرتبط با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات است از این رو می‌توان آزادی اقتصادی را به عنوان نبود تحمیل یا محدودیت بر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات تعبیر کرد (جانسون[2]، ۱۹۹۹).

به طور کلی آنچه از تعاریف فوق برمی‌آید، آن است که آزادی اقتصادی چیزی جز تأکید بر مالکیت فردی یا خصوصی نبوده و محدوده‌ای را که اقتصاد بر مبنای بازار عمل می‌کند، مشخص می‌نماید. بدین ترتیب افراد مالک دارایی‌های خود در مصرف، مبادله یا نگهداری هستند و هیچ مانعی نظیر دولت نباید آن‌ها را محدود نماید؛ به شرط آنکه این دارایی‌ها از طریق دزدی، زور، تقلب یا سرقت به دست نیامده باشد و از این راه‌ها مبادله نگردد. در این میان یکی از نقش‌های دولت حفظ دارایی افراد است. لذا در هر اقتصادی حداقل مداخله با توجه به شرایط اقتصادی آن‌ها برای دولت‌ها تعریف می‌شود و چنانچه دولت‌ها بیش از این حد عمل نمایند آزادی اقتصادی محدود خواهد گردید.

درنهایت می‌توان گفت در یک اقتصاد آزاد سؤالات پایه‌ای اقتصاد یعنی چه چیز و به چه مقدار تولید شود، چگونه تولید شود و عواید حاصل از تولید چگونه توزیع گردد باید توسط بازار پاسخ داده شود و هرگونه محدودیت تحمیلی دولت بر این انتخاب‌ها آزادی اقتصادی را کاهش می‌دهد (جانسون، ۱۹۹۹).

1. Harshbarger
2. Johnson

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

۳-۱. آزادسازی اقتصاد

آزادسازی اقتصادی بخشی از سیاست‌های تعدیل ساختاری است که شامل مجموعه‌ای از اقدامات، به منظور کاهش مداخله دولت در بازارهای مالی، کالاها و خدمات، کار و بخش خارجی و درنهایت واگذاری آن به مکانیزم بازار است. اهم این اقدامات عبارتند از:

۱. آزادسازی تجارت خارجی و تعدیل انواع تعرفه‌های تجاری و محدودیت‌های مقداری؛
۲. کاهش کنترل‌های قیمتی و واگذاری تعیین قیمت به نیروهای عرضه و تقاضای بازار؛
۳. آزادسازی نرخ سود پرداختی به سپرده‌های بانکی؛
۴. حذف یارانه‌ها و تعدیل قیمت‌های یارانه‌ای؛
۵. کاهش مداخلات دولت در بازارهای مالی؛
۶. گرایش به نظام ارزی شناور.

سیاست‌های آزادسازی اقتصاد به دنبال دست‌یابی به برخی اهداف می‌باشند که از اهم این اهداف می توان به نیل به اشتغال کامل عوامل تولید، افزایش رشد اقتصادی، حصول به ثبات قیمت‌ها، موازنه تراز پرداخت‌ها، ارتقای رفاه اجتماعی اشاره نمود. نکته قابل توجه در بحث آزادسازی اقتصادی این است که آزادسازی اقتصادی با رهاسازی اقتصادی متفاوت است و هرجا سخن از آزادی اقتصادی است، منظور رهاسازی اقتصاد نیست، بلکه بایستی با فرایند تعریف‌شده‌ای به سمت آزادسازی اقتصاد حرکت کرد. بنابراین با جمع‌بندی مفاهیم ارائه‌شده در خصوص آزادسازی اقتصادی، به نظر می‌رسد جوهره اصلی سیاست‌های آزادسازی اقتصاد حرکت به سوی اقتصاد بازار و رهایی از اقتصاد دولتی و متمرکز است. آزادسازی اقتصادی امروزه به عنوان یکی از راه‌حل‌های بحران اقتصادی ممالک رو به رشد جهان است. توصیه بانک جهانی نیز به کاربرد و استفاده از مکانیسم بازار در بسیاری از کشورهای جهان سوم موجب اصلاحات اقتصادی آنان شده است[۱].

در مجموع با توجه به تعاریف متعددی که در رابطه با خصوصی‌سازی ارائه شده، می‌توان گفت درواقع خصوصی‌سازی واگذاری وظایف، فعالیت‌ها و تشکیلات دولتی از بخش عمومی به بخش

۱. شفیعی و زراعت‌پیشه، ۱۳۹۱.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

خصوصی است. خصوصی‌سازی در مفهوم اشاعه فرهنگی یعنی فراهم کردن زمینه افزایش مشارکت مردم در کلیه سطوح در امور اقتصادی جامعه است. از این رو خصوصی‌سازی اصطلاحی فراگیر و متنوع است که به کنترل عملیاتی و مالی مؤسسات دولتی و واگذاری به بخش خصوصی اشاره می‌کند. به عبارت دیگر خصوصی‌سازی حذف هر نوع کنترل و دخالت در برقراری مکانیزم عرضه و تقاضا است. انتقال مالکیت یا کنترل بنگاه‌های اقتصادی از دولت به بخش خصوصی را می‌توان به عنوان تعریف خصوصی‌سازی پذیرفت (دی کاسترو[1]، ۲۰۰۳).

۳-۲. رشد اقتصادی

رشد اقتصادی پایدار یکی از اهداف نهایی هر نظام اقتصادی است که دست‌یابی به آن مستلزم بسط پایه‌های رشد و درونی شدن آن‌ها از طریق سازوکارهایی نظیر انباشت سرمایه، توسعه سرمایه انسانی، ارتقای بهره‌وری عوامل تولید و ... است. رشد اقتصادی در تعریفی ساده عبارت است از افزایش سطح تولید ناخالص داخلی یک کشور نسبت به دوره پیشین (جونز[2]، ۱۹۹۱).

آنچه در این تحقیق مورد نظر است نه مفهوم رشد اقتصادی، بلکه تحلیلی پیرامون چگونگی دستیابی به آن است. تمرکز اصلی این نوشتار بر مسئله تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی است. لیکن از آنجا که آزادی اقتصادی مفهومی در بستر نظام اجتماعی است و در ارتباط پیشین و پسین با سایر مفاهیم نظام اجتماعی قرار دارد، باید برای شناخت مسیر اثرگذاری آن عوامل شناسایی‌شده توسط تئوری‌ها را که به نوعی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند شناسایی کرده و ارتباط منطقی آن‌ها را با آزادی اقتصادی بیابیم. لذا در بخش بعد به مروری بر مسیرهای اثرگذاری آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی خواهیم پرداخت.

۳-۳. بررسی مسیرهای آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی

در این بخش به برخی از مسیرهایی که از آن طریق آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد اشاره می‌شود.

1. De Castro
2. jones

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

۳-۳-۱. کاهش حجم دولت

یکی از اثرات آزادی اقتصادی، کوچک شدن حجم دولت است. از آنجایی که تولیدات دولتی در بسیاری از موارد غیرکارا عمل می‌کند با ورود بخش خصوصی و کاهش هزینه‌ها و همچنین ارتقای کیفیت کالا و خدمات بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی، حجم دولت در قسمت‌های غیرضروری کاهش می‌یابد.

کوچک شدن دولت هزینه‌های توزیعی و تخصصی عظیمی که دولت متحمل می‌شود را کاهش می‌دهد و کاهش هزینه‌های دولت سبب کاهش کسری بودجه و کاهش تورم می‌گردد. از طرفی تولید دولتی به معنی کاهش قدرت دولت برای انجام وظایف اصلی است. اشتغال دولت در فعالیت‌های تولیدی که ضرورت ندارد دخالت کند، به معنی صرف بخش عظیمی از منابع مادی و مدیریتی دولت در امور غیرضروری است. قدرت نظارت دولت گسترده، بسیار کمتر از قدرت نظارت یک دولت حداقلی است. آزادی اقتصادی و کاهش قدرت دخالت دولت در اقتصاد از مسیر دیگر نیز سبب بالا رفتن ثبات اقتصادی می‌گردد، زیرا وجود دولت به عنوان یک رقیب برای بخش خصوصی این ریسک را ایجاد می‌کند که ناتوانی دولت در رقابت با بخش خصوصی سبب گردد دولت دست به تضعیف یا حذف بخش خصوصی بزند و اموال آن را مصادره کند. بی‌ثباتی اقتصادی با بالا بردن ریسک سرمایه‌گذاری، عرضه سرمایه را کاهش داده و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را محدود می‌کند و سبب فرار سرمایه از کشور می‌شود. برعکس ثبات اقتصادی با بالا بردن امنیت، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذاری وجوه لازم برای رشد را فراهم می‌آورد.

۳-۳-۲. ترغیب برای پیگیری منافع شخصی

از آنجا که افراد به دنبال منافع شخصی خود هستند (مثلاً یک تولیدکننده در پی حداکثر کردن سود است) و نظام بازار آزاد، افراد را آزاد می‌گذارد تا آزادانه بهترین مسیر را برای رسیدن به منافع شخصی برگزینند که بر اساس اصل حقوق مالکیت از حقوق آن‌ها دفاع می‌شود. از این رو، افراد انگیزه‌های کافی جهت تعقیب اهداف خود در سیستم بازار خواهند داشت. ویژگی بارز قیمت‌ها این است که انگیزه‌های افراد همسو با نیازهای افراد شکل می‌گیرد. برای مثال در یک کالای خاص اگر تقاضای این کالا به دلیل خاصی افزایش یابد، مسلماً در سیستم بازار آزاد که بر مبنای عرضه و تقاضا

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

عمل می‌کند، قیمت‌ها افزایش خواهند یافت و افزایش قیمت، انگیزه افزایش تولید در تولیدکننده را در پی خواهد داشت و او تولیدش را افزایش خواهد داد و درنتیجه سیستم برای میزان تقاضای اضافی که به وجود آمده است، کالای جدید تولید خواهد کرد، بدون آن‌که کسی بر خلاف انگیزه‌ها و تمایلاتش دست به کاری زده باشد. از سوی دیگر عامل قیمت نه‌تنها انگیزه‌ای است برای آن‌که در قبال اطلاعات درباره تقاضای محصول بیشتر، اقدام مناسب انجام گیرد، بلکه سبب می‌شود که محصول با کاراترین روش تولید شود. بنابراین انتظار می‌رود این سیستم، کالاهایی را با بهترین کیفیت، ارزان‌ترین قیمت و کمترین زمان تولید کند و به دست مصرف‌کننده خود برساند، بدون آن‌که نیازمند یک سازمان‌دهی قوی یا صرف هزینه‌های بالا باشد و یا اینکه کسی را برخلاف میلش وادار به انجام کاری کند. البته باید نکته‌ای را خاطرنشان ساخت و آن اینکه تمامی ویژگی‌های فوق برای یک بازار رقابتی صادق است. مسلماً همیشه نظام بازار به صورت ایدئال عمل نکرده و گاهی دارای نقایصی است، برای مثال از انحصارات خصوصی می‌توان نام برد که از ویژگی‌های فوق برخوردار نیست، اما با توجه به تعاریف آزادی اقتصادی، دولت موظف است به گونه‌ای عمل نماید که چنین شرایطی (شرایط رقابتی که از دو ویژگی فوق برخوردار باشد) ایجاد گردد.

۳-۳-۳. انتقال کارای اطلاعات

یکی از ویژگی‌های مهم در نظام بازار آزاد، استفاده از سیستم قیمت‌ها است و یکی از ویژگی‌های مهم این سیستم، انتقال سریع، به‌موقع و کارای اطلاعات است. سیستم قیمت‌ها در انتقال اطلاعات دارای چند ویژگی مهم است. نخست آن‌که اطلاعات مفید را انتقال می‌دهد، آن هم فقط به آن گروه که به دانستن اطلاعات مزبور احتیاج دارند و دیگر آنکه انتقال به‌موقع اطلاعات است. سیستم قیمت‌ها به گونه‌ای عمل می‌کند که اطلاعات به دست کسانی که می‌توانند از آن استفاده کنند، برسد؛ بدون آنکه در دست کسانی که به آن احتیاج ندارند، محصور شود[1].

۳-۳-٤. ایجاد شفافیت و کاهش فساد مالی

سازمان شفافیت بین‌المللی، فساد مالی را سوءاستفاده کارکنان از منابع دولتی برای مقاصد و یا منافع شخصی تعریف می‌کند. با توجه به این تعریف و بررسی تعاریف مختلفی که از فساد مالی شده

1. Tadbir Institute of Economic Research, 2003

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

است یک نتیجه کلی استنتاج می‌شود و آن اینکه یک طرف فساد مالی حتماً بخش دولتی است و فساد زمانی شکل می‌گیرد که به صورت غیرقانونی از قدرت عمومی در جهت منافع خصوصی سوءاستفاده شود، حال با وجود آزادی اقتصادی از یک طرف حجم دولت کاهش یافته و از سوی دیگر بسیاری از قوانین پیچیده که منفذ فساد مالی ایجاد می‌کنند از بین می‌رود و از این مسیر، آزادی اقتصادی سبب کاهش فساد مالی می‌گردد (ایراس، ۲۰۰۳)[1].

۳-۳-۵. افزایش بهره‌وری

آزادی اقتصادی، شبکه اطلاع‌رسانی گسترده و کارآمدی از تعاملات فردی را به وجود می‌آورد که درنهایت به تخصیص بهینه منابع اقتصادی و مطلوبیت‌های فردی می‌انجامد مانند آنچه در نظام اقتصادی جوامع پیشرفته رخ داده که رقابت موجب تخصیص بهینه منابع توسط سیستم قیمت‌ها گردیده است (دستیابی به قیمت‌های واقعی موجب تخصیص بهینه منابع می‌شود). در واحدهای تولیدی دولتی از آنجایی که سود یا زیان واحد به حساب شخصی مدیران و مسئولان آن واریز نمی‌شود، حتی با فرض عدم تعمد مسئولین این واحدها به دلیل نبود سود مستقیم برای کارگزاران دولتی، تلاش فکری و عملی زیادی برای ارتقاء سیستم و کاهش هزینه‌های تولید از سوی عوامل دولتی، صورت نخواهد گرفت. در حالی که هزینه‌های تولید در بخش خصوصی به دلیلی مثل کمتر بودن نسبی میزان تولید و تعداد صنایع تحت مدیریت یک مدیر خصوصی نسبت به بخش دولتی، حداکثر تلاش برای کاهش هزینه‌ها و خودداری کامل از اسراف و تبذیر، بسیار کمتر از هزینه تولید بخش دولتی خواهد بود و لذا کارایی فنی بخش خصوصی بالاتر از بخش دولتی است (رزمی و همکاران، ۱۳۸۸).

درنهایت افزایش بهره‌وری ناشی از آزادی اقتصادی، منفعت کل اجتماعی را افزایش می‌دهد و سبب بالا رفتن سطح زندگی مردم می‌شود.

۳-۳-٦. ترویج رقابت و رقابت‌پذیری

آزادی اقتصادی با ایجاد رقابت در بازار چندین پیامد مهم بر جای می‌گذارد. اول، ارتقای شایستگان بدین معنی که در شرایط رقابتی آنچه تعیین‌کننده است شایستگی افراد و کیفیت

1. Eiras

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

کالاها است نه ارتباط و نزدیکی به دولت و قدرت انحصاری. به عبارتی رقابت روح انحصارطلبی را نابود می‌کند. البته اگرچه در نظام بازار ممکن است سیستم‌های غیررقابتی شکل بگیرد و یا فیلترهایی برای ورود به وجود آید که سبب حذف رقیبان ضعیف‌تر شود ولی باز هم اثرات منفی آن در حد اقتصاد متمرکز نیست. دوم، ورشکستگی، یک پیامد مهم دیگر رقابت بنگاه‌های با کارآمدی پایین است. ورشکستگی را می‌توان شاهکار نظام بازار دانست. به عبارت دیگر ناکارآمدی در بازار با قدرت تمام سرکوب می‌شود. رقابت در کالاهایی با کیفیت پایین‌تر و هزینه بالاتر محکوم به تولید نشدن هستند. از سوی دیگر رقابت‌پذیری از نظر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه به معنی توانایی یک ملت در تولید کالاها و خدمات برای ارائه در بازارهای بین‌المللی و به طور هم‌زمان حفظ یا ارتقای سطح کیفیت نهادی سرانه شهروندان در درازمدت است. تخصیص بهینه منابع و افزایش بهره‌وری قدرت رقابت‌پذیری کشورها را افزایش می‌دهد و به اعتقاد اقتصاددانان افزایش سطح رقابت‌پذیری از طریق افزایش بهره‌وری، بهتر و مؤثرتر از رقابت‌پذیری ناشی از منابع اولیه ارزان است. درواقع شرکت‌ها و کشورهایی که از طریق پایین بودن هزینه مواد اولیه رقابت‌پذیر شده‌اند، در مقابل روش‌های تولید کم‌هزینه‌تر (کارایی بالاتر) و یا فن‌آوری پیشرفته‌تر دچار مشکل می‌شوند (بهکیش، ۲۰۰۱).

۳-۳-۷. کاهش بخش غیررسمی

با آزادسازی اقتصادی و کاهش قوانین و مقررات دست و پاگیر برای ورود بنگاه‌ها به اقتصاد رسمی، حجم بخش غیررسمی کاهش می‌یابد، هم‌چنین کوچک شدن حجم دولت سبب کاهش فساد مالی شده از این طریق سبب کاهش حجم غیررسمی اقتصاد می‌گردد (ایراس، ۲۰۰۳). به عبارت دیگر، وجود هزینه‌های بالای رسمی شدن، ناشی از بوروکراسی دولتی، سبب جذب بنگاه‌ها به سمت بخش غیررسمی می‌شود؛ از این رو بنگاه‌ها تا جایی وارد بخش غیررسمی می‌شوند که هزینه‌های غیررسمی کمتر از هزینه‌های رسمی شدن باشد (رضوی، ۲۰۰۵).

۳-۳-۸. بسترسازی برای تبلور انگیزه‌های نوآورانه

نوآوری در تولید کالاهای جدید به قصد انتفاع شخصی، کاری است که توسط بخش خصوصی انجام می‌شود. هم‌چنین بخش خصوصی در رقابت در بازار تلاش خواهد کرد تولید خود را با کمترین هزینه ممکن انجام دهد که این اعمال تحت عنوان کارآفرینی به‌صورت

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

اتوماتیک سبب رشد مدام تولیدات و افزایش کـــــارایی اقتصادی می‌گردد. بسترسازی برای تبلور انگیزه‌های نوآورانه به دو دلیل از عهده بخش دولتی خارج است: اول اینکه کارگزاران دولتی به دلیل عدم انتفاع مستقیم تلاشی برای نوآوری و افزایش بهره‌وری نخواهند کرد و دوم وجود بوروکراسی دولتی اجازه این کار را نمی‌دهد؛ زیرا حتی اگر دولت تمایل به چنین امری داشته باشد به دلیل حجم زیاد فعالیت‌های اقتصادی که در زیرمجموعه کارآفرینی وارد می‌شوند، دولت مجبور خواهد بود بخش عظیمی از افراد جامعه را برای پیوستن به پیکره دولت دعوت کند و نتیجه آن گسترش و افزایش حجم دولت است (رزمی و همکاران، ۱۳۸۸).

۳-٤. تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی

آنیشامادان[1] چهار دلیل را برای آن‌که آزادی اقتصادی بالا منجر به رشد بیشتر می‌شود، ذکر می‌کند: نخست اینکه وجود امنیت برای حقوق مالکیت و همچنین پایین بودن مالیات‌ها سبب می‌شود افراد به کارهایی اقدام نمایند که کاراتر باشد، از این رو، افزایش کارایی، خود منجر به رشد بیشتر خواهد شد. دوم اینکه آزادی بیشتر در مبادلات موجب توسعه فنون و افزایش تخصصی شدن و بازده اقتصادی می‌گردد، از این رو، توسعه فنون و بازده اقتصادی منجر به افزایش رشد خواهد شد. سوم اینکه آزادی ورود و رقابت در بازارها منجر به افزایش کارایی و سود بیشتر می‌گردد و منابع به سوی فعالیت‌هایی که بیشترین عملکرد را دارند، هدایت می‌گردد؛ و چهارم، هنگامی که آزادی اقتصادی وجود دارد تشکیلات تجاری و نیز اقتصاد، به کشف‌های جدید در مدیریت اقتصادی و بهبود تکنولوژی و شیوه‌های بهتر تولید تشویق می‌گردد؛ لذا فرصت‌هایی که قبلاً مورد چشم‌پوشی واقع می‌شدند به منابع اصلی برای رشد اقتصادی تبدیل می‌شوند. لذا از لحاظ نظری، انتظار می‌رود آزادی اقتصادی بیشتر منجر به رشد اقتصادی بیشتر گردد، به عبارت دیگر انتظار می‌رود آزادی اقتصادی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد[2].

۳-۵. رشد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی

یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بهبود رشد اقتصادی است.

1. Anisha Madan.

۲. بابکی و سلیمی فر، ۱۳۹۳.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

- **رشد اقتصادی در سند چشم‌انداز**: «دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل»؛
- **رشد اقتصادی در سیاست‌های ابلاغی برنامه پنجم**: «رشد مناسب اقتصادی با تأکید بر تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی به میزان حداقل ۸٪ نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی...»[۱].

۳-٦. وضعیت ایران در شاخص آزادی اقتصادی در مقایسه با کشورهای منطقه

مقایسه آمار مربوط به شاخص آزادی اقتصادی ایران از سال ۱۹۸۰ با سایر کشورهای منطقه نشان می‌دهد که شاخص آزادی اقتصادی در اقتصاد ایران نسبت به سایر کشورهای منطقه بسیار پایین است. وضعیت این شاخص در سال‌های قبل از انقلاب نسبت به بعد از انقلاب بهتر بوده است. در سال‌های پس از انقلاب به علت ایجاد تغییراتی مانند ملی کردن بانک‌ها و برخی مصادره‌ها و همچنین وقوع جنگ و گسترده شدن حجم دولت، وضعیت این شاخص برای ایران بدتر شده، ولی تقریباً از سال ۱۳۷۲ به بعد با آغاز دوره سازندگی و اجرای سیاست‌های تعدیل، آزادی اقتصادی کشور روند صعودی به خود گرفته است. کاهش امتیاز برخی از عوامل نظیر آزادی مبادله با خارجیان و همچنین قوانین مربوط حقوق مالکیت خصوصاً در سال‌های پس از انقلاب تأثیر به سزایی بر کاهش درجه آزادی اقتصادی کشور داشته است. در سال‌های اخیر اصلاح قوانین و مقررات و همچنین کاهش موانع موجود بر مبادلات (کاهش هزینه‌های تعرفه) و ... تأثیر زیادی بر افزایش آزادی اقتصادی کشور داشته است. لیکن، هنوز هم امتیاز مربوط به آزادی اقتصادی به مقدار اولیه خود یعنی ۶۵ در سال ۱۹۷۰ نرسیده است[۲] همچنین بررسی روند تغییرات رتبه ایران در این شاخص طی سال‌های ۲۰۱۰ لغایت ۲۰۱۶ نشان می‌دهد، رتبه ایران بین ۱۶۸ تا ۱۷۳ در نوسان بوده، بهترین رتبه ۱۶۸ بوده که در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ کسب شده است. در سال ۲۰۱۶ رتبه

۱. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، نقشه راه اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تیر ۱۳۹۳.
۲. جعفری صمیمی و صالحی، ۱۳۹۲.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

ایران نظیر سال ۲۰۱۵ و ۱۷۱ بوده که نشانگر تثبیت جایگاه ایران در این رتبه پس از بهبودی دو رتبه‌ای در سال ۲۰۱۵ بوده است[۱].

جدول ۱. وضعیت شاخص آزادی اقتصادی در ایران و کشورهای منطقه طی دوره ۱۳۸۰ -۱۳۹٦

سال		شاخص آزادی اقتصادی در ایران و کشورهای منطقه								
میلادی	شمسی	ایران	بحرین	عمان	قطر	ترکیه	عربستان	آذربایجان	گرجستان	امارات
۲۰۰۱	۱۳۸۰	۳۵/۹	۷۵/۹	۶۷/۷	۶۰	۶۰/۶	۶۲/۲	۵۰/۳	۵۸/۳	۷۴/۹
۲۰۰۲	۱۳۸۱	۳۶/۴	۷۶/۶	۶۴	۶۱/۹	۵۷/۲	۶۵/۳	۵۳/۳	۵۶/۷	۷۳/۶
۲۰۰۳	۱۳۸۲	۴۳/۲	۷۶/۳	۶۴/۶	۶۵/۹	۵۱/۹	۶۳/۲	۵۴/۱	۵۸/۶	۷۳/۴
۲۰۰۴	۱۳۸۳	۴۲/۸	۷۵/۱	۶۶/۹	۶۶/۵	۵۲/۸	۶۰/۴	۵۳/۴	۵۸/۹	۶۷/۲
۲۰۰۵	۱۳۸۴	۵۰/۵	۷۱/۲	۶۶/۵	۶۳/۵	۵۰/۶	۶۳	۵۴/۴	۵۷/۱	۶۵/۲
۲۰۰۶	۱۳۸۵	۴۵	۷۱/۶	۶۳/۷	۶۲/۴	۵۷	۶۳	۵۳/۲	۶۴/۵	۶۲/۲
۲۰۰۷	۱۳۸۶	۴۵	۷۱/۲	۶۵/۸	۶۲/۹	۵۷/۴	۶۰/۹	۵۴/۶	۶۹/۳	۶۲/۶
۲۰۰۸	۱۳۸۷	۴۵	۷۲/۲	۶۷/۳	۶۲/۲	۵۹/۹	۶۲/۵	۵۵/۳	۶۹/۲	۶۲/۶
۲۰۰۹	۱۳۸۸	۴۴/۶	۷۴/۸	۶۷	۶۸/۸	۶۱/۶	۶۴/۳	۵۸	۶۹/۸	۶۴/۷
۲۰۱۰	۱۳۸۹	۴۳/۴	۷۶/۳	۶۷/۷	۶۹	۶۳/۸	۶۴/۱	۵۸/۸	۷۰/۴	۶۷/۳
۲۰۱۱	۱۳۹۰	۴۲/۱	۷۷/۷	۶۹/۸	۷۰/۵	۶۴/۲	۶۶/۲	۵۹/۷	۷۰/۴	۶۷/۸
۲۰۱۲	۱۳۹۱	۴۲/۳	۷۵/۲	۶۷/۹	۷۱/۳	۶۲/۵	۶۲/۵	۵۸/۹	۶۹/۴	۶۹/۳
۲۰۱۳	۱۳۹۲	۴۳/۲	۷۵/۵	۶۸/۱	۷۱/۳	۶۲/۹	۶۰/۶	۵۹/۷	۷۲/۲	۷۱/۱
۲۰۱۴	۱۳۹۳	۴۰/۳	۷۵/۱	۶۷/۴	۷۱/۲	۶۴/۹	۶۲/۲	۶۱/۳	۷۲/۶	۷۱/۴
۲۰۱۵	۱۳۹۴	۴۱/۸	۷۳/۴	۶۶/۷	۷۰/۸	۶۳/۲	۶۲/۱	۶۱	۷۳	۷۲/۴
۲۰۱۶	۱۳۹۵	۴۳/۵	۷۴/۳	۶۷/۱	۷۰/۷	۶۲/۱	۶۲/۱	۶۰/۲	۷۲/۶	۷۲/۶
۲۰۱۷	۱۳۹۶	۵۰/۵	۶۸/۵	۶۲/۱	۷۳/۱	۶۵/۲	۶۴/۴	۶۳/۶	۷۶	۷۶/۹

۱. وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۳۹۵.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

سال		شاخص آزادی اقتصادی در ایران و کشورهای منطقه								
میلادی	شمسی	اردن	ارمنستان	قزاقستان	کویت	قرقیزستان	لبنان	مصر	پاکستان	تاجیکستان
۲۰۰۱	۱۳۸۰	۶۸/۳	۶۶/۴	۵۱/۸	۶۸/۲	۵۳/۷	۶۱	۵۱/۵	۵۶	۴۶/۸
۲۰۰۲	۱۳۸۱	۶۸/۳	۶۸	۵۲/۴	۶۵/۴	۵۱/۷	۵۷/۱	۵۴/۱	۵۵/۸	۴۷/۳
۲۰۰۳	۱۳۸۲	۶۶/۲	۶۷/۳	۵۲/۳	۶۶/۷	۵۶/۸	۵۶/۷	۵۵/۳	۵۵	۴۶/۵
۲۰۰۴	۱۳۸۳	۶۶/۱	۷۰/۳	۴۹/۷	۶۳/۶	۵۸	۵۶/۹	۵۵/۵	۵۴/۹	۴۸/۷
۲۰۰۵	۱۳۸۴	۶۶/۷	۶۹/۸	۵۳/۹	۶۴/۶	۵۶/۶	۵۷/۲	۵۵/۸	۵۳/۳	۵۰/۴
۲۰۰۶	۱۳۸۵	۶۳/۷	۷۰/۶	۶۰/۲	۶۶/۵	۶۱	۵۷/۵	۵۳/۲	۵۷/۹	۵۲/۶
۲۰۰۷	۱۳۸۶	۶۴/۵	۶۸/۶	۵۹/۶	۶۶/۴	۶۰/۲	۶۰/۴	۵۴/۴	۵۷/۲	۵۳/۶
۲۰۰۸	۱۳۸۷	۶۴/۱	۶۹/۹	۶۱/۱	۶۸/۱	۶۱/۱	۶۰	۵۸/۵	۵۵/۶	۵۴/۴
۲۰۰۹	۱۳۸۸	۶۵/۴	۶۹/۹	۶۰/۱	۶۵/۶	۶۱/۸	۵۸/۱	۵۸	۵۷	۵۴/۶
۲۰۱۰	۱۳۸۹	۶۶/۱	۶۹/۲	۶۱	۶۷/۷	۶۱/۳	۵۹/۵	۵۹	۵۵/۲	۵۳
۲۰۱۱	۱۳۹۰	۶۸/۹	۶۹/۷	۶۲/۱	۶۴/۹	۶۱/۱	۶۰/۱	۵۹/۱	۵۵/۱	۵۳/۵
۲۰۱۲	۱۳۹۱	۶۹/۹	۶۸/۸	۶۳/۶	۶۲/۵	۶۰/۲	۶۰/۱	۵۷/۹	۵۴/۷	۵۳/۴
۲۰۱۳	۱۳۹۲	۷۰/۴	۶۹/۴	۶۳	۶۳/۱	۵۹/۶	۵۹/۵	۵۴/۸	۵۵/۱	۵۳/۴
۲۰۱۴	۱۳۹۳	۶۹/۲	۶۸/۹	۶۳/۷	۶۲/۳	۶۱/۱	۵۹/۴	۵۲/۹	۵۵/۲	۵۲
۲۰۱۵	۱۳۹۴	۶۹/۳	۶۷/۱	۶۳/۳	۶۲/۵	۶۱/۳	۵۹/۳	۵۵/۲	۵۵/۶	۵۲/۷
۲۰۱۶	۱۳۹۵	۶۸/۳	۶۷	۶۳/۶	۶۲/۷	۵۹/۶	۵۹/۵	۵۶	۵۵/۹	۵۱/۳
۲۰۱۷	۱۳۹۶	۶۶/۷	۷۰/۳	۶۹	۶۵/۱	۶۱/۱	۵۳/۳	۵۲/۶	۵۲/۸	۵۸/۲

منبع: با توجه به داده‌های مؤسسات هریتیج (۲۰۰۰-۲۰۱۶) توسط محقق پردازش شده است.

٤. تحلیل یافته‌ها

یک مدل هیچ‌گاه قادر به توصیف دقیق واقعیت (آن طور که هست) نیست. برای توصیف واقعیت نباید مدل‌های پیچیده‌ای ارائه شود که فاقد ارزش علمی باشند. ساده‌سازی و تجزیه‌وتحلیل در هر مدل برای دستیابی به نتایج منطقی امری ضروری است. در این رابطه اصل «قلت متغیرهای توضیحی» حکم می‌کند که یک مدل تا حد ممکن ساده در نظر گرفته شود. از سوی دیگر لازم است برای جلوگیری از خطای تورش ناشی از حذف متغیرهای مهم و وارد کردن متغیرهای غیرضروری،

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

متغیرهای کلیدی و مهم را بر مبنای چارچوب تئوریک و تحلیل نظری در مدل وارد نموده و تمام اثرات تصادفی و جزئی را به جزء اخلال مدل محول کرد[1].

با توجه به مبانی نظری بحث شده در بخش‌های قبلی، در این قسمت برای بررسی و تحلیل اثرات آزادی اقتصادی و شاخص اقتصاد مقاومتی بر رشد اقتصادی، ابتدا فرم تبعی مدل مورد نظر معرفی و سپس با مروری اجمالی بر مباحث اقتصادسنجی موجود در این ارتباط، مدل مورد نظر برازش می‌گردد. روشی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است، روش داده‌های تابلویی برای کشورهای منطقه طی دوره‌های ۱۳۹۶-۱۳۸۰ است که به صورت معادله (۱) است:

$$\text{growth}_{it} = \text{ef}_{it} + \text{inf}_{it} + \text{em}_{it} + \text{es}_{it} + \varepsilon_{it} \qquad (۱)$$

که در آن inf نرخ تورم، em نرخ اشتغال، es شاخص اقتصاد مقاومتی و ef شاخص آزادی اقتصادی است. این متغیر از میانگین وزنی شاخص‌های زیر به دست آمده است:
آزادی کسب‌وکار (Bf)، آزادی تجاری (Tf)، آزادی مالیاتی (Ff)، آزادی اندازه دولت (Gs)، آزادی پولی (Mf)، آزادی سرمایه‌گذاری (If)، آزادی مالی (Fmf)، آزادی حقوق مالکیت (Pr)، آزادی جلوگیری از فساد (Ffc) و آزادی نیروی کار (Lf).

٤-۱. نتایج تجربی

در این مطالعه تجزیه‌وتحلیل داده‌ها مشتمل بر دو بخش زیر است: الف) توصیف داده‌ها؛ ب) تحلیل داده‌ها.

ابتدا داده‌ها برای متغیرهای مستقل و وابسته توصیف شده است. آمارهای توصیفی ازجمله میانگین و میانه و کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین، انحراف استاندارد، کشیدگی و چولگی برای تمام متغیرها محاسبه شده است. این شاخص‌ها توزیع آماری متغیرها را نشان می‌دهد.

۱. علیزاده و شقاقی،۱۳۹۴.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

جدول ۲. شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	میانه	بزرگ‌ترین	کوچک‌ترین	انحراف استاندارد	ضریب چولگی	کشیدگی
growth	۳۰۶	۸/۳۲	۷/۱۸	۳۸	۰/۰۲۴	۶/۱۸	۱/۴۵	۵/۸۳
ef	۳۰۶	۶۱/۵۴	۶۲/۲۰	۷۷/۷۰	۳۵/۹۰	۷/۹۸	-۰/۴۷	۳/۱۰
inf	۳۰۶	۷/۶۰	۶/۲۰	۵۴/۴۰	۰/۰۹۲	۶/۷۱	۲/۷۸	۱۵/۱۸
em	۳۰۶	۸/۵۰	۸/۲۷	۱۹/۷۳	۰/۱۴۸	۴/۹۵	۰/۲۸	۲/۳۹
es	۳۰۶	۰/۴۷	۰/۴۷	۰/۷۵	۰/۲۳۵	۰/۱۰	-۰/۱۱	۲/۶۱

مأخذ: محاسبات پژوهش

با توجه به اطلاعات ارائه‌شده در جدول ۲ بیشترین مقدار میانگین و انحراف معیار مربوط به متغیر شاخص آزادی اقتصادی است که حاکی از میزان پراکندگی بیشتر این متغیر نسبت به سایر متغیرهاست. بزرگ بودن میانگین از میانه وجود نقاط بزرگ را در داده‌ها نشان می‌دهد. زیرا میانگین تحت تأثیر این مقادیر قرار می‌گیرد. در این موارد توزیع داده‌ها چوله به راست یا مثبت است؛ در غیر این صورت چولگی منفی یا چپ است.

٤-۲. آزمون ایستایی متغیرها

اولین گام برای برآورد الگو بعد از جمع‌آوری آمار، بررسی ویژگی‌های مانایی یا ایستایی متغیرهاست .برای این منظور از آزمون مانایی لوین، لین و چو داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود. مانایی به این معنا است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال-های مختلف ثابت بوده است.

جدول ۳. آزمون مانایی متغیرهای تحقیق بر اساس لوین، لین و چو (LLC)

متغیر	در سطح		یک بار تفاضل گیری	
	آماره t	سطح معناداری	آماره t	سطح معناداری
رشد اقتصادی	-۳/۴۰	۰/۰۰	-	-
شاخص آزادی اقتصادی	-۱/۳۹	۰/۰۸	-۱/۹۲	۰/۰۲
نرخ تورم	-۳/۶۹	۰/۰۰	-	-
نرخ اشتغال	-۵/۵۳	۰/۰۰	-	-
شاخص اقتصاد مقاومتی	-۰/۷۶	۰/۲۲	-۴/۷۵	۰/۰۰

مأخذ: محاسبات پژوهش

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

مطابق با نتایج حاصله از جدول ۳ به‌جز متغیرهای رشد اقتصادی، نرخ تورم و نرخ اشتغال که در سطح مانا بوده‌اند، دیگر متغیرها (شاخص اقتصاد مقاومتی و شاخص آزادی اقتصادی) با یک بار تفاضل‌گیری مانا شدند.

٤-۳. آزمون هم‌جمعی

بررسی وجود هم‌جمعی نیز در داده‌های ترکیبی بسیار مهم است. برای جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب قبل از برآورد مدل، آزمون‌های هم‌جمعی انجام می‌گیرد تا پس از وجود رابطه بلندمدت، الگوی مورد نظر تخمین زده شود. برای انجام این آزمون از روش هم‌جمعی پدرونی استفاده می‌گردد.

جدول ٤. آزمون هم‌جمعی متغیرهای تحقیق بر اساس روش پدورنی

نوع آزمون	آماره t	سطح معناداری
PP	-۶/۰۶	۰/۰۰
ADF	-۳/۴۳	۰/۰۰

مأخذ: محاسبات پژوهش

همان‌گونه که در جدول قابل مشاهده است فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود هم‌جمعی رد می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل یک رابطه بلندمدت وجود دارد.

٤-٤. آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

در این تحقیق برای انتخاب مدل مناسب از میان مدل‌های مقید (Pooled) و مدل نامقید (Panel) از آزمون f لیمر و برای انتخاب مدل، میان اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شد و نتایج آزمون‌ها در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ٤. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

F لیمر	احتمال (F لیمر)	هاسمن	احتمال (هاسمن)
۱۴/۹۲	۰/۰۰۰	۱۰/۱۴	۰/۰۳۸۱

مأخذ: محاسبات پژوهش

نتایج آزمون لیمر نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر برابری عرض از مبدأ با احتمال ۹۵ درصد اطمینان رد شده است. بر این اساس الگوی مناسب برای برآورد مدل‌های مورد بررسی،

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

روش داده‌های پانل است؛ بنابراین برای انتخاب نهایی به منظور تخمین داده‌ها، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج آزمون هاسمن نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر تصادفی بودن مدل رد می‌شود. بر این اساس الگوی نهایی برای برآورد مدل‌های مورد بررسی، مدل اثرات ثابت خواهد بود. در ادامه در جدول ۵ نتایج برآورد مدل نشان داده شده است.

جدول ۵. برآورد مدل به روش پانل دیتا و اثرات ثابت

متغیر	ضرایب متغیرها
	مدل Growth
C	۳۴/۸۲ (۰/۰۰)
Ef	-۰/۳۹ (۰/۰۰)
Inf	۰/۰۰۹ (۰/۸۴)
Em	-۰/۳۳ (۰/۰۳)
Es	۰/۷۵ (۰/۸۱)

مأخذ: محاسبات پژوهش

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه ارتباط بین شاخص آزادی اقتصادی، شاخص اقتصاد مقاومتی، نرخ تورم و نرخ اشتغال با رشد اقتصادی برای کشورهای منطقه طی دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۶ بررسی شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد شاخص تورم با ضریب ۰/۰۰۹۷۱۸ دارای ارتباط مثبت با تولید ناخالص داخلی است. درواقع به لحاظ تئوری هرگاه تورم افزایش یابد، انتظار می‌رود که تولید ناخالص هم زیاد شود. در رابطه با این متغیر باید دو نکته را مد نظر قرار داد. ۱- باید عنوان کرد که این رابطه مثبت بین دو متغیر مورد بررسی زمانی برقرار است که نقدینگی افزایش‌یافته موجود در اقتصاد ایران که دلیل عمده افزایش تورم است، صرف افزایش تولید شود و به بخش‌های خدماتی (به دلیل هزینه پایین راه‌اندازی) اختصاص پیدا نکند. ۲- تورم دارای یک حد است. به این معنی که تورم تا یک

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

حدی سبب رشد اقتصادی می‌شود و اگر از این حد و آستانه عبور کند به جای اثر مثبت بر رشد اقتصادی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی خواهد داشت.

ضریب اشتغال نیز با ضریب ۰/۳۳۱۸۳۳- دارای رابطه معکوس با تولید ناخالص داخلی است. که مطابق با انتظارات تجربی نیست باید عنوان کرد دلیل اساسی این موضوع رشد بخش کاذب و خدماتی نسبت به بخش تولیدی و به تبع آن رشد مشاغل کاذب است. درواقع مشاغل کاذب نه‌تنها تولید را افزایش نمی‌دهد بلکه سبب کاهش تولید می‌شود. دو شاخص آزادی اقتصادی با ضریب ۰/۳۹۱۸۲۶- و شاخص اقتصاد مقاومتی با ضریب ۰/۷۵۵۱۵۹ هر دو دارای رابطه‌ی مثبت با تولید ناخالص داخلی هستند که مطابق با انتظارات تجربی و نظری است. بنابراین به‌کارگیری سیاست‌های مقاومتی خود گامی در جهت اصلاح الگوی مصرف و رشد تولید ملی و ... است که همگی این موارد سبب افزایش رشد تولید ناخالص داخلی می‌شود. همچنین در زمینه آزادی اقتصادی نیز باید عنوان کرد که ازجمله دلایل رابطه مثبت آزادی اقتصادی و تولید ناخالص داخلی؛ کاهش حجم دولت، پیگیری منافع شخصی، افزایش بهره‌وری، کاهش فساد و ... است.

منابع

- **بابکی، روح اله و مصطفی سلیمی‌فر** (۱۳۹۳). «نقش محیط کسب‌وکار و آزادی اقتصادی در رشد اقتصادی کشورهای منتخب با رویکرد داده‌های تابلویی». *مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای* سال بیست و یکم. دوره جدید. شماره ۸
- **بهکیش، محمدمهدی** (۲۰۰۱). *اقتصاد ایران در چارچوب جهانی شدن*. نشر نی. تهران.
- **جعفری صمیمی، احمد و علی صالحی** (۱۳۹۲). «تأثیر شاخص‌های آزادی اقتصادی بر فساد مالی در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران». *بررسی‌های بازرگانی*. شماره ۶۱.
- **خادمی اردکانی، علیرضا** (۱۳۸۶). «بررسی اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده اقتصادی مدیریت و علوم اجتماعی. دانشگاه شیراز.
- **خداپرست مشهدی، مهدی؛ فلاحی، محمدعلی و امیر آریاتا** (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران». *پژوهشنامه علمی- پژوهشی اقتصاد کلان*. سال نهم. شماره ۱۷.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

- **درخشان‌فر، خاطره** (۱۳۹۳). «رابطه بین آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای MENA». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی- دانشکده اقتصاد و حسابداری.
- **درخشان‌فر، خاطره؛ ابونوری، عباسعلی؛ عباسی، ابراهیم** (۱۳۹۳). «آزادی اقتصادی تجارت بین‌المللی خاورمیانه و شمال آفریقا داده پانلی کشور در حال توسعه گشتاور تعمیم‌یافته». دانشکده اقتصاد و حسابداری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- **رزمی، علی‌اکبر؛ رزمی، محمدجواد و سارا شهرکی** (۱۳۸۸). «تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد مکتب نهادگرا: بررسی علی». *مجله دانش و توسعه* (علمی-پژوهشی)، سال شانزدهم. شماره ۲۸.
- **سامتی، مرتضی؛ سامتی، مجید و روح اله شهنازی** (۱۳۸۵). «تأثیر آزادی اقتصادی بر درآمد سرانه و رشد اقتصادی (با رهیافت Panel Data)». *پژوهشنامه علمی- پژوهشی اقتصاد کلان*. دوره ۶. شماره ۱. شماره ۲۰.
- **شاه‌آبادی، ابوالفضل و زهره بهاری** (۱۳۹۳). «تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه». *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*. سال چهارم. شماره شانزدهم.
- **شفیعی، محمدجعفر؛ زراعت‌پیشه، زینب** (۱۳۹۱). «نقش خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصاد در اقتصاد مقاومتی». دانشگاه گیلان. مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی.
- **صادقی صادق‌آبادی، فهیمه** (۱۳۸۴). «رابطه بین آزادی اقتصادی و رشد و توسعه اقتصادی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی. دانشگاه الزهرا.
- مؤسسه تحقیقات اقتصادی تدبیر (۲۰۰۳). ارزیابی ایران با رویکرد اقتصادی.
- وزارت صنعت، معدن و تجارت؛ آمارها و شاخص‌های بین‌المللی، موضوع: آزادی اقتصادی، گزارش شماره ۲۲، معاونت طرح و برنامه، دفتر آمار و فرآوری داده‌ها، هفته چهارم خرداد ۱۳۹۵.
- **Aisen, A. & Veiga, F**. (2011), "How Does Political Instability Affect Economic Growth?" IMF Working Paper, No. 11/12, PP. 1-28.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]

- **Eiras, A**. (2003). *Ethics, Corruption and Economic Freedom*, Published by the Heritage Foundation.
- **Carlsson, F. S, Lundström** (2002). "Economic Freedom and Growth: Decomposing the Effects". Working Paper in Economics no. 33. January 2001. Department of Economics. Göteborg University 4.
- **De Castro, J.O., Uhlenbruck, K**. (2003). "The transformation in to entrepreneurial firms". Examining the context of privatization. Management Research.
- **Heckelman, J** (2000). "Economic Freedom and Economic Growth: a Short Run Causal Investigation". Wake Forest University. *Journal of Applied Economics*, Vol. (3), PP. 71-91.
- **Harshbarger, William**, (2002). *Economic Freedom*, The Ludwig von Mises Institute.
- **Jones, Hywel** (1991). *Introduction to Modern Theories of Economic Growth*. Translated by Lotfi, Saleh. University Publishing Center. Tehran (in Persian) of economic freedom index. Tehran. (In Persian).
- **Johnson, Bryan T. & Holmes, Kim R**. (1999). 1999 *Index of Economic Freedom*. Translated by Amin, Mohammad Ebrahim. Barnameh and Budjeh Quarterly Magazine. No 48 (in Persian).
- **Kane et al**. (2007). *2007 Index of Economic freedom*. Heritage Foundation/ the Wall Street Journal.
- **Kafmann Danial, Aart Kraay and Massimo Mastruzzi** (2005). *Governance Matters V: Governance Indicators for 1996-2005*. World Bank.
- **Scully, G**. (2002), "Economic Freedom, Government Policy and the Trade-Off between Equity and Economic Growth", *Public Choice*, Vol. 113(1-2), PP. 77-96.
- **Weinhold, D**. (1999). *A Dynamic Fixed Effects Model for Heterogeneous Panel Data*. London: London School of Economics.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-24]